



Adolescent Students' Perception of Economic Uncertainty and Tendency to Suicidal Thoughts

Journal of Rehabilitation
Counseling
2025, Vol 1(3): 175-190
Jmr.uok.ac.ir

Mehdi Shafie¹

Donya Neisi²

Mohammad Hassan Asayesh³ & *

Abstract

Background and Objective: Economic crises and the accompanying uncertainty are recognized as major contributing factors to psychological distress. This study aimed to qualitatively explore the perceptions of adolescent students in Ahvaz regarding economic uncertainty and its association with suicidal ideation.

Method: This qualitative study was conducted in 2024 using a phenomenological approach. The study population included all adolescents living in Ahvaz. A purposive convenience sample of 14 adolescents aged 13–16 years, who had experienced suicidal ideation or suicide attempts and whose families faced unemployment and financial difficulties, was selected. Data were collected through semi-structured interviews and analyzed using Colaizzi's method.

Findings: Analysis of the interviews revealed eight core themes reflecting adolescents' multidimensional understanding of economic uncertainty and its psychological consequences: (1) tendency toward self-harming thoughts, (2) suicidal ideation, (3) hopelessness about improving the family's economic conditions, (4) feelings of loneliness, worthlessness, and decreased self-esteem, (5) perceived economic inadequacy and inability to support the family financially, (6) parental conflicts and tensions arising from financial stress, (7) lack of emotional support from parents during economic hardship, and (8) the influence of school and social culture in reinforcing social rejection and economic marginalization. Overall, the findings indicate that economic uncertainty imposes not only material strain but also significantly contributes to emotional distress and suicidal thoughts among adolescents.

Conclusion: The results demonstrate that adolescents' perceptions of family economic uncertainty are associated with increased self-harming thoughts and suicidal tendencies. These findings underscore the urgent need for preventive interventions at the family, school, and community levels—such as strengthening psychosocial support, enhancing economic literacy, and reducing financial stress within families—to promote mental health and resilience among adolescents.

Keywords: Adolescent Students' Perception, Phenomenological approach, Economic Uncertainty, Propensity for Suicidal Ideation.

Received: 2025.06.09

Revised: 2025.08.10

Accepted: 2025.09.05

Citation: Shafie, M., Neisi, D., & Asayesh, M. (2025). Adolescent students' perception of economic uncertainty and tendency to suicidal thoughts. *Journal of Rehabilitation Counseling*, 1(3), 175–190.

¹. Master's degree, Department of Psychology, Faculty of Educational Sciences and Psychology, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.

². Master's degree, Department of Psychology, Faculty of Humanities, Zanjan University, Zanjan, Iran.

³. **Corresponding Author:** Assistant Professor, Department of Psychology and Educational Sciences, University of Tehran, Tehran, Iran. asayesh@ut.ac.ir



نشریه مشاوره توانبخشی
سال اول / شماره ۳ / پاییز ۱۴۰۴
شماره صفحات: ۱۷۵-۱۹۰
Jmr.uok.ac.ir

ادراک دانش‌آموزان نوجوان از عدم اطمینان اقتصادی و گرایش به افکار خودکشی

مهدی شفیق^۱

دنیا نیسی^۲

محمدحسن آسایش^{۳*}

چکیده

زمینه و هدف: بحران‌های اقتصادی و نااطمینانی ناشی از آن از عوامل مؤثر بر شکل‌گیری افکار خودکشی در نوجوانان به شمار می‌آیند. پژوهش حاضر با هدف بررسی کیفی ادراک دانش‌آموزان نوجوان شهر اهواز از نااطمینانی اقتصادی و ارتباط آن با گرایش به افکار خودکشی انجام شد.

روش: این مطالعه کیفی با رویکرد پدیدارشناختی در سال ۱۴۰۳ اجرا شد. جامعه پژوهش شامل تمامی نوجوانان شهر اهواز بود. نمونه‌ای شامل ۱۴ نوجوان ۱۳ تا ۱۶ ساله که دارای افکار خودکشی بودند یا تجربه اقدام به خودکشی داشتند و خانواده آنان با بیکاری و مشکلات مالی مواجه بودند، از طریق نمونه‌گیری در دسترس و هدفمند انتخاب شد. داده‌ها با استفاده از مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته گردآوری و با روش کلایزی تحلیل شد.

یافته‌ها: تحلیل داده‌ها منجر به استخراج هشت مقوله اصلی بازتاب‌دهنده ادراک چندوجهی نوجوانان از نااطمینانی اقتصادی و پیامدهای روانی آن شد. این مقولات شامل: (۱) گرایش به افکار خودآسیب‌رسان، (۲) افکار خودکشی، (۳) ناامیدی نسبت به بهبود وضعیت اقتصادی خانواده، (۴) احساس تنهایی، بی‌ارزشی و کاهش عزت‌نفس، (۵) احساس ناکارآمدی اقتصادی و ناتوانی در مشارکت در تأمین نیازهای خانواده، (۶) تعارضات والدین ناشی از فشارهای مالی، (۷) کمبود حمایت عاطفی والدین در دوره‌های دشوار اقتصادی و (۸) نقش فرهنگ مدرسه و جامعه در تشدید احساس طردشدگی و حاشیه‌نشینی اقتصادی بود. یافته‌ها نشان می‌دهد نااطمینانی اقتصادی علاوه بر فشارهای مادی، موجب افزایش فشارهای روانی و اجتماعی و بروز افکار آسیب‌زننده در نوجوانان می‌شود.

نتیجه‌گیری: نتایج پژوهش بیانگر آن است که ادراک نوجوانان از نااطمینانی اقتصادی خانواده با افزایش افکار آسیب‌رسان و تمایل به خودکشی ارتباط دارد. بنابراین، تدوین مداخلات پیشگیرانه در سطح خانواده، مدرسه و جامعه—از جمله تقویت حمایت‌های روانی اجتماعی، ارتقای سواد اقتصادی و کاهش تنش‌های مالی در خانواده—برای بهبود سلامت روان و تاب‌آوری نوجوانان ضرورت دارد.

کلیدواژه‌ها: ادراک دانش‌آموزان نوجوان، رویکرد پدیدارشناختی، نااطمینانی اقتصادی، گرایش به افکار خودکشی.

پذیرش: ۱۴۰۴/۰۶/۱۴

اصلاح: ۱۴۰۴/۰۵/۱۹

دریافت: ۱۴۰۴/۰۳/۱۹

ارجاع: شفیق، م، نیسی، د، و آسایش، م. (۱۴۰۴). ادراک دانش‌آموزان نوجوان از عدم اطمینان اقتصادی و گرایش به افکار خودکشی. فصلنامه مشاوره توانبخشی، (۳)، ۱۷۵-۱۹۰.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

^۱. کارشناس ارشد، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

^۲. کارشناس ارشد، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه زنجان، زنجان، ایران.

^۳. نویسنده مسئول؛ استادیار، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. asayesh@ut.ac.ir

۱. مقدمه

خودکشی یکی از چالش‌های مهم بهداشت عمومی در سراسر جهان به شمار می‌آید (کینچین^۱ و همکاران، ۲۰۱۷؛ ون‌هارملن^۲ و همکاران، ۲۰۱۹؛ سازمان بهداشت جهانی^۳، ۲۰۲۱؛ ایر^۴ و همکاران، ۲۰۲۳). برآوردها نشان می‌دهد سالانه حدود هشتصد هزار نفر بر اثر خودکشی جان خود را از دست می‌دهند و شمار بیشتری نیز اقدام به خودکشی را تجربه می‌کنند (ون‌هارملن و همکاران، ۲۰۱۹؛ سازمان بهداشت جهانی، ۲۰۲۱؛ ایر و همکاران، ۲۰۲۳). برای نمونه، در ایالات متحده در سال ۲۰۱۹ بیش از ۴۷/۵۰۰ مورد مرگ ناشی از خودکشی گزارش شده است و نرخ خودکشی در این کشور طی سال‌های ۱۹۹۹ تا ۲۰۱۹ حدود ۳۳ درصد افزایش یافته است (آبدو^۵ و همکاران، ۲۰۲۲). رفتارهای مرتبط با افکار و اقدام به خودکشی در نوجوانان نیز شیوع بالایی دارد. در سطح جهانی، خودکشی یکی از اصلی‌ترین علل مرگ‌ومیر در این گروه سنی محسوب می‌شود و به‌عنوان سومین علت مرگ در میان نوجوانان ۱۰ تا ۱۹ ساله گزارش شده است (چن^۶ و همکاران، ۲۰۲۰؛ کانگ^۷ و همکاران، ۲۰۲۱؛ چنگ^۸ و همکاران، ۲۰۲۱؛ پان^۹ و همکاران، ۲۰۲۱). اگرچه خودکشی تمام گروه‌های سنی را تحت تأثیر قرار می‌دهد، اما میزان آن در دوران نوجوانی به‌طور چشمگیری افزایش می‌یابد.

مطالعات نشان می‌دهند که شیوع افکار خودکشی در طول زندگی در میان جوانان حدود ۱۲/۱ درصد و در میان نوجوانان نزدیک به ۳۰ درصد است. علاوه بر این، سابقه اقدام به خودکشی که یکی از مهم‌ترین پیش‌بینی‌کننده‌های مرگ ناشی از خودکشی است (پان و همکاران، ۲۰۲۱)، بیانگر آن است که تقریباً ۶۰ درصد نوجوانانی که افکار خودکشی را تجربه می‌کنند، در نهایت دست‌کم یک‌بار اقدام به خودکشی دارند؛ آن هم عمدتاً در سال نخست آغاز این افکار. در ایران نیز آمارها از روند افزایشی نرخ خودکشی در سال‌های اخیر حکایت دارد. بنا بر داده‌های مرکز آمار ایران، در فاصله سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۰ به‌طور متوسط ۳۶۱۶ مورد خودکشی منجر به مرگ ثبت شده است. در سال ۱۳۹۰ تعداد ۲۵۹۸ مورد خودکشی گزارش شد که پایین‌ترین عدد در این بازه بود؛ این رقم تا سال ۱۴۰۰ روندی صعودی داشته و به ۵۰۸۵ مورد رسیده است که بیشترین میزان ثبت‌شده در دوره مورد بررسی به شمار می‌رود. این داده‌ها نشان می‌دهد که تعداد موارد خودکشی در دهه ۱۳۹۰ تقریباً دو برابر شده است (مرکز آمار ایران^{۱۰}، ۱۴۰۲).

با وجود پیشرفت‌های قابل‌توجه در شناسایی عوامل خطر مرتبط با خودکشی نوجوانان طی چند دهه گذشته، تحقیقات اخیر نشان می‌دهد که عوامل خطر شناخته‌شده عمدتاً پیش‌بینی‌کننده شکل‌گیری اولیه افکار خودکشی هستند؛ اما عواملی که به‌طور خاص گذار از افکار خودکشی به اقدام را توضیح می‌دهند، همچنان تا حد زیادی ناشناخته باقی مانده‌اند. با توجه به اینکه در نوجوانان رفتارهای خودکشی ممکن است به‌سرعت پس از آغاز افکار مرتبط شدت یابد، ضروری است که درک عمیق‌تری از عوامل مؤثر بر این مرحله‌ی گذار به دست آید (اوکادو^{۱۱} و همکاران، ۲۰۲۱). این مسئله ضرورت شناخت محرک‌ها و زمینه‌های مؤثر بر خودکشی را برای طراحی مداخلات پیشگیرانه کارآمد و ارتقای آگاهی عمومی برجسته می‌کند.

در این مطالعه، بررسی می‌شود که عدم اطمینان اقتصادی در سطح ملی تا چه اندازه می‌تواند بر میزان خودکشی تأثیر بگذارد و آن را پیش‌بینی کند. شاخص عدم اطمینان اقتصادی بر پایه شرایط اقتصادی و میزان نااطمینانی موجود در اقتصاد ایجاد می‌شود (آبدو و همکاران، ۲۰۲۲؛ واندوروس^{۱۲} و همکاران، ۲۰۱۹؛ واندوروس و کاواچی^{۱۳}، ۲۰۲۱). از منظر نظری، تهدید از دست دادن شغل و ناامنی مالی از جمله عواملی هستند که می‌توانند نقش مهمی در افزایش خطر اقدام به خودکشی داشته باشند (آبدو و همکاران، ۲۰۲۲). یافته‌های واندوروس و همکاران (۲۰۱۹) نیز نشان می‌دهد که افزایش عدم اطمینان اقتصادی با افزایش تعداد موارد خودکشی همراه است. این نتایج، چه در مطالعات بلندمدت بر داده‌های خودکشی در ایالات متحده (واندوروس و همکاران، ۲۰۱۹)، به‌نقل از آبدو و همکاران، ۲۰۲۲) و چه در تحقیقات کوتاه‌مدت (واندوروس و کاواچی، ۲۰۲۱) تأیید شده‌اند.

1 Kinchin

2 Van Harmelen

3 World Health Organization

4 Er

5 Abdou

6 Chen

7 Kang

8 Cheng

9 Pan

10 Iran Statistics Center

11 Okado

12 Vandoros

13 Vandoros & Kawachi

شرایط اقتصادی و شغلی می‌توانند تأثیر قابل توجهی بر سلامت روان و خطر خودکشی در سطح فردی و جمعیتی داشته باشند؛ به طوری که رکود اقتصادی و اختلال در بازار کار از عوامل مهم تغییرات نرخ خودکشی تلقی می‌شوند. برای مثال، یک مطالعه بین‌المللی در ۵۴ کشور نشان داده است که در جریان بحران اقتصادی جهانی سال ۲۰۰۸، حدود ۴۸۸۴ خودکشی با این بحران مرتبط بوده و نرخ خودکشی در کشورهایی با بیکاری بالاتر، به‌ویژه آن‌هایی که پیش از بحران نرخ بیکاری پایینی داشتند، افزایش یافته است (سینیور^۱ و همکاران، ۲۰۲۴). همچنین، نتایج پنجمین مطالعه مرگ‌ومیر طولی ملی در آمریکا نشان داد که درآمد بالاتر در ابتدا با کاهش احتمال خودکشی در پیگیری‌های شش‌ساله و یازده‌ساله مرتبط است (کوک^۲، ۲۰۱۹). در سطح جهانی نیز آمارها حاکی از آن است که در سال ۲۰۱۲ حدود ۷۵ درصد خودکشی‌ها در کشورهای با درآمد پایین یا متوسط رخ داده است. در ایران نیز بر اساس گزارش رسمی پزشکی قانونی، طی سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۲ بیش از ۳۰ هزار نفر بر اثر خودکشی جان خود را از دست داده‌اند (حاجی‌زاده‌اصل^۳ و همکاران، ۱۴۰۰). بررسی‌ها نشان می‌دهد که شرایط اقتصادی جامعه نقشی تعیین‌کننده در بروز رفتارهای خودکشی دارد؛ به‌گونه‌ای که افزایش فشارهای اقتصادی از جمله بیکاری، فقر، تورم، گرانی و بحران‌های اقتصادی با افزایش نرخ خودکشی‌های منجر به مرگ همراه است (جهانی‌دولت‌آباد^۴ و همکاران، ۱۴۰۲). با توجه به این شواهد، بررسی تأثیر عدم اطمینان اقتصادی بر اقدام به خودکشی، حتی بیش از مطالعات محدود موجود در زمینه رکود، بیکاری و خودکشی اهمیت دارد. در همین راستا، مطالعه‌ای در ۱۸۳ کشور نشان داده است که نااطمینانی اقتصادی جهانی می‌تواند بر میزان خودکشی اثرگذار باشد (گوتو^۵ و همکاران، ۲۰۲۴).

با توجه به تأثیر گسترده عدم اطمینان اقتصادی بر گرایش به خودکشی و با در نظر گرفتن این واقعیت که در ایران تاکنون پژوهشی با هدف بررسی ادراک نوجوانان از مشکلات اقتصادی و پیوند آن با گرایش به خودکشی انجام نشده است، ضرورت انجام مطالعه‌ای در این زمینه آشکار است. پژوهش حاضر بر آن است تا ادراک دانش‌آموزان نوجوان از نااطمینانی اقتصادی و نقش آن در شکل‌گیری افکار خودکشی را بررسی کند. افزایش نگران‌کننده نرخ خودکشی در میان نوجوانان و نقش پررنگ عوامل اقتصادی در بروز افکار و رفتارهای مرتبط، اهمیت شناسایی تجربه زیسته نوجوانان را در بستر نااطمینانی اقتصادی دوچندان می‌کند. بخش عمده پژوهش‌های پیشین، به‌ویژه در ایران، با رویکرد کمی به بررسی عوامل اقتصادی تأثیرگذار بر خودکشی پرداخته‌اند و کمتر مطالعه‌ای به شیوه‌ای کیفی، برداشت و تجربه شخصی نوجوانان از تأثیر شرایط اقتصادی بر سلامت روان آنان را واکاوی کرده است. در نتیجه، انجام پژوهشی کیفی که بتواند پیچیدگی‌های تجربه نوجوانان را در زمینه فشارهای اقتصادی، ناامیدی، تعارضات خانوادگی و احساس بی‌ارزشی نشان دهد، ضروری به نظر می‌رسد. چنین درکی می‌تواند بستر مناسبی برای طراحی مداخلات پیشگیرانه و سیاست‌های حمایتی مؤثر در حوزه سلامت روان نوجوانان فراهم سازد.

خودکشی یکی از مهم‌ترین چالش‌های سلامت عمومی در جهان است و پیامدهای روانی، اجتماعی و اقتصادی گسترده‌ای برای فرد، خانواده و جامعه به همراه دارد. در سال‌های اخیر، پژوهش‌های متعددی به بررسی یکی از عوامل کلیدی مؤثر بر خودکشی یعنی نااطمینانی اقتصادی در سطح کلان پرداخته‌اند. یافته‌های پژوهش‌هایی همچون بروین^۶ و همکاران (۲۰۲۰) و کلاوریا^۷ (۲۰۲۲) نشان می‌دهد که افزایش شاخص جهانی نااطمینانی اقتصادی می‌تواند به‌صورت فوری یا با یک سال تأخیر، موجب افزایش نرخ خودکشی در کشورهای مختلف شود. همچنین، استک^۸ (۲۰۲۱) بر نقش متغیرهایی مانند بیکاری، بدهی، کاهش درآمد و افت اعتماد عمومی به دولت در بروز افکار و رفتارهای خودکشی تأکید کرده است. مطالعات مبتنی بر داده‌های فردی نیز بیانگر آن است که افراد بیکار در مقایسه با شاغلان، در معرض خطر بالاتر اقدام به خودکشی قرار دارند (دنی^۹ و همکاران، ۲۰۱۵). نتایج تحقیقات آندرس^{۱۰} و همکاران (۲۰۱۰)، چانگ^{۱۱} و همکاران (۲۰۱۳)، و میلنر^{۱۲} و همکاران (۲۰۱۸) نیز با بهره‌گیری از تحلیل‌های آماری و سری‌های زمانی در کشورهای

1 Sinyor

2 Cook

3 Hajizadeh Asal

4 Jahani Daulatabad

5 Goto

6 Bruin

7 Claveria

8 Stack

9 Denney

10 Andrés

11 Chang

12 Milner

مختلف، نشان می‌دهد که بحران‌های اقتصادی می‌توانند از طریق افزایش بیکاری، گسترش فقر، کاهش جایگاه اجتماعی و تشدید فشار روانی، احتمال بروز افکار یا اقدام به خودکشی را افزایش دهند.

از سوی دیگر، پژوهش‌ها تأکید می‌کنند که افکار خودکشی در نوجوانی نه تنها پیش‌درآمدی برای رفتارهای خودآسیب‌رسان یا اقدام به خودکشی هستند، بلکه با مشکلات روان‌شناختی پایدار در بزرگسالی نیز ارتباط دارند (پاتل^۱ و همکاران، ۲۰۲۰؛ چن و همکاران، ۲۰۲۰). بنابراین، شناسایی زودهنگام افکار خودکشی در نوجوانان و بررسی عوامل زمینه‌ای مؤثر بر آن - از جمله عوامل اقتصادی - می‌تواند نقش مؤثری در طراحی مداخلات پیشگیرانه داشته باشد. چانگ و همکاران (۲۰۲۱) و کانگ و همکاران (۲۰۲۱) نیز تأکید می‌کنند که درک دقیق‌تر از افکار خودکشی نوجوانان، ابزار مهمی برای شناسایی افراد در معرض خطر و مداخله به‌موقع است. در ایران نیز پژوهش‌های داخلی بر نقش مشکلات اقتصادی در افزایش خودکشی تأکید کرده‌اند. برای مثال، حاجی‌زاده‌اصل و همکاران (۱۴۰۰) روند افزایشی مرگ‌های ناشی از خودکشی را گزارش کرده‌اند و جهانی‌دولت‌آباد و همکاران (۱۴۰۲) نشان داده‌اند که عواملی مانند بیکاری، گرانی و فقر از عوامل مؤثر بر رشد نرخ خودکشی هستند. با این حال، اغلب این پژوهش‌ها ماهیتی کمی داشته‌اند و به صورت عمیق به تجربه زیسته نوجوانان در شرایط اقتصادی متلاطم نپرداخته‌اند.

مرور پیشینه نظری و تجربی نشان می‌دهد که ارتباط میان ناطمینانی اقتصادی و خودکشی در سطح بین‌المللی بارها تأیید شده است و در ایران نیز نقش شاخص‌های اقتصادی در تشدید رفتارهای خودکشی مورد توجه قرار گرفته است. اما هنوز خلأ مهمی در زمینه مطالعات کیفی - به‌ویژه از منظر نوجوانان - وجود دارد. تاکنون پژوهشی که به‌طور مشخص به بررسی ادراک نوجوانان از ناطمینانی اقتصادی و تأثیر آن بر شکل‌گیری افکار خودکشی بپردازد صورت نگرفته است. از این رو، پژوهش حاضر تلاشی است برای پر کردن این خلأ و ارائه شناختی عمیق‌تر از تجربه درونی نوجوانان در مواجهه با فشارهای اقتصادی.

۲. روش

پژوهش حاضر یک مطالعه کیفی با رویکرد پدیدارشناسی توصیفی است که در سال ۱۴۰۳ انجام شد. رویکرد پدیدارشناسی درصدد است تا لایه‌های عمیق معنایی تجربه زیسته افراد نسبت به یک پدیده را کشف کند و ساختار آگاهی آن‌ها در تجربه‌های انسانی را بررسی نماید (محمدپور، ۱۳۹۳). جامعه آماری این مطالعه شامل تمامی نوجوانان ساکن شهر اهواز بود. نمونه پژوهش شامل ۱۴ نوجوان ۱۳ تا ۱۶ ساله (مقطع متوسطه اول و اوایل متوسطه دوم) بود که طبق گزارش مراکز مشاوره، دارای افکار خودکشی یا سابقه اقدام به خودکشی بودند و در خانواده‌هایی با مشکلات اقتصادی مانند بیکاری والدین یا بحران‌های مالی زندگی می‌کردند. بازه سنی انتخاب‌شده به دلیل حساسیت تحولی این مرحله از زندگی و قرار گرفتن در دوره اوایل نوجوانی و بحران هویت، که طبق پژوهش‌های پیشین یکی از مراحل پرخطر در شکل‌گیری افکار و رفتارهای خودکشی محسوب می‌شود، تعیین شد.

روش نمونه‌گیری هدفمند نظری به کار گرفته شد و ملاک انتخاب، دسترسی به شرکت‌کنندگانی بود که تجربیات مرتبط با موضوع پژوهش را داشتند. روند نمونه‌گیری تا رسیدن به اشباع نظری ادامه یافت. برای انجام پژوهش، ابتدا معرفی‌نامه‌ای از دانشگاه دریافت شد و پس از اخذ مجوزهای رسمی از اداره کل آموزش و پرورش استان خوزستان و هسته مشاوره استان، هماهنگی‌های لازم با مسئولان مراکز مشاوره آموزش و پرورش شهر اهواز انجام شد. انتخاب نمونه‌ها با همکاری مشاوران این مراکز صورت گرفت.

۲-۱. ابزارها

ابزار گردآوری داده‌ها در این پژوهش، مصاحبه نیمه‌ساختاریافته با سؤالات باز بود. مصاحبه‌ها توسط پژوهشگر (نویسنده اول مقاله) در محیطی امن و مناسب در مراکز مشاوره آموزش و پرورش انجام شد. هر جلسه بین ۴۵ تا ۹۰ دقیقه به طول انجامید و با رضایت کتبی شرکت‌کنندگان و در صورت نیاز، ولی آنان ضبط شد و سپس به‌طور کامل پیاده‌سازی گردید. در طراحی راهنمای مصاحبه، سؤالات به‌گونه‌ای تدوین شدند که بتوانند ابعاد مختلف پدیده مورد مطالعه را آشکار کنند. سؤال محوری مصاحبه چنین بود: «ادراک شما از عدم اطمینان اقتصادی چیست؟». برای مثال، یکی از سؤالات جزئی‌تر به این شکل مطرح شد: «در خانواده‌ات، چه اتفاق‌هایی باعث می‌شود احساس نگرانی از آینده مالی داشته باشی؟» بر اساس پاسخ‌های شرکت‌کنندگان، سؤالات تکمیلی نیز مطرح شد تا ابعاد روان‌شناختی، اجتماعی و فرهنگی ناشی از مشکلات اقتصادی به‌طور کامل شناسایی گردد. این روش به پژوهشگر امکان داد تا تجربه زیسته نوجوانان در مواجهه با فشارهای اقتصادی و تأثیر آن بر افکار خودکشی را به‌طور جامع درک کند.

۲-۲. روش اجرا

فرایند گردآوری داده‌ها پس از اخذ معرفی‌نامه دانشگاه و هماهنگی رسمی با اداره کل آموزش و پرورش خوزستان و مراکز مشاوره آغاز شد. پژوهشگر پس از معرفی هدف مطالعه و جلب اعتماد شرکت‌کنندگان، مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته را در فضایی آرام و بدون مزاحمت در مراکز مشاوره انجام داد. زمان و مکان مصاحبه‌ها بر اساس شرایط شرکت‌کنندگان تنظیم شد. هر مصاحبه ۴۵ تا ۹۰ دقیقه به طول انجامید و تا زمانی ادامه یافت که شرکت‌کننده احساس آمادگی برای توضیح کامل تجربه خود داشت. مصاحبه‌ها با رضایت آگاهانه نوجوان و در صورت لزوم ولی قانونی ضبط صوت شد. پس از هر جلسه، داده‌ها به صورت کلمه‌به‌کلمه پیاده‌سازی شدند و پژوهشگر طی فرایندی چرخه‌ای پس از هر چند مصاحبه، تحلیل اولیه را آغاز کرد. این رویکرد امکان اصلاح سؤالات تکمیلی و تعمیق داده‌ها در مصاحبه‌های بعدی را فراهم ساخت. روند نمونه‌گیری و مصاحبه‌ها تا اشباع نظری ادامه یافت؛ یعنی زمانی که هیچ مفهوم جدیدی از داده‌ها استخراج نمی‌شد.

۳-۲. ملاحظات اخلاقی

پژوهش حاضر با رعایت کامل اصول اخلاقی پژوهش‌های انسانی انجام شد. پیش از آغاز مطالعه، ماهیت پژوهش، اهداف، نحوه ضبط صدا، حق انصراف و محرمانه‌بودن اطلاعات برای شرکت‌کنندگان و اولیای آنان به صورت روشن توضیح داده و رضایت کتبی ایشان اخذ گردید. تمامی اطلاعات با کدگذاری و در فضای امن نگهداری شد و تنها پژوهشگران اصلی به آن دسترسی داشتند. مشارکت در پژوهش کاملاً داوطلبانه بود و با توجه به حساسیت موضوع، در صورت بروز ناراحتی یا نشانه‌های خطر، فرد به مشاور معرفی می‌شد. اگرچه کد رسمی کمیته اخلاق دریافت نشد، تمامی مراحل مطابق با رهنمودهای معتبر اخلاق پژوهش اجرا گردید.

۴-۲. شیوه تجزیه و تحلیل داده‌ها

داده‌ها با استفاده از روش هفت‌مرحله‌ای کلایزی تحلیل شدند. در گام نخست، متن کامل مصاحبه‌ها چندین بار مطالعه گردید تا پژوهشگر با عمق و گستره داده‌ها آشنا شود. سپس جملات معنادار استخراج و کدگذاری شدند و کدها در خوشه‌های مفهومی دسته‌بندی گردیدند. در مرحله نهایی، تم‌های اصلی از دل داده‌ها استخراج شد و معنای کلی پدیده مورد مطالعه بازسازی گردید. برای اعتبارسنجی داده‌ها از روش بازبینی مشارکت‌کنندگان استفاده شد؛ به این صورت که یافته‌های اولیه به شرکت‌کنندگان بازگردانده شد تا صحت آن‌ها را تأیید یا اصلاح کنند. همچنین، برای افزایش استحکام داده‌ها، از معیارهای باورپذیری^۱ و اطمینان‌پذیری^۲ بهره گرفته شد. جهت تقویت باورپذیری، پژوهشگر در فرایند مصاحبه با مشارکت‌کنندگان ارتباط عمیق و طولانی‌مدت برقرار کرد و از فن براکتینگ برای کنترل پیش‌فرض‌های ذهنی خود استفاده نمود (پونتروتو^۳، ۲۰۰۵). برای تضمین پایایی، مصاحبه‌ها با کیفیت بالا ضبط و عیناً پیاده‌سازی شدند و علائم غیرکلامی، مکث‌ها و حالات هیجانی نظیر خنده، سکوت و سرفه نیز در متن لحاظ گردید. تحلیل داده‌ها با دقت بالا توسط پژوهشگر و دو همکار کدگذار دیگر انجام شد و توافق میان کدگذاران بررسی شد. این اقدامات مطابق پیشنهادات کرسول^۴ (۲۰۰۹) در راستای رعایت اصول کیفی پژوهی و افزایش اعتبار و پایایی داده‌ها ضروری قلمداد می‌شوند.

۳. یافته‌ها

مصاحبه شونده‌گان در این پژوهش نوجوانان ۱۳ تا ۱۶ سال دختر و پسر با میانگین سنی ۱۴/۵ سال بودند. مشخصات جمعیت‌شناختی آنان در جدول ۱ نمایش داده شده است.

جدول ۱. ویژگی‌های جمعیتی مشارکت‌کنندگان پژوهش

شماره	سن	جنسیت	وضعیت اقتصادی خانواده	معدل آموزشی و تحصیلی	مدت زمان زندگی مشترک والدین	تعداد خواهر و برادر
۱	۱۶	پسر	ضعیف	۱۸/۲۵	۱۷ سال	۳
۲	۱۵	پسر	متوسط	۱۷/۵	۱۸ سال	۱
۳	۱۳	دختر	ضعیف	۱۶/۵۰	۲۲ سال	۰

¹ Credibility

² Dependability

³ Ponterotto

⁴ Creswell

۴	۱۷ سال	۱۸/۲۵	ضعیف	دختر	۱۴	۴
۲	۲۴ سال	۲۰	متوسط	پسر	۱۳	۵
۲	۲۱ سال	۱۴/۷۵	ضعیف	دختر	۱۵	۶
۰	۲۵ سال	۱۵/۲۵	متوسط	پسر	۱۶	۷
۱	۱۶ سال	۱۸/۵	متوسط	دختر	۱۴	۸
۵	۲۹ سال	۱۹/۲۵	ضعیف	دختر	۱۶	۹
۳	۳۱ سال	۲۰	ضعیف	پسر	۱۵	۱۰
۳	۱۸ سال	۱۴	متوسط	دختر	۱۵	۱۱
۰	۱۵ سال	۱۵/۷۵	ضعیف	دختر	۱۴	۱۲
۲	۲۸ سال	۱۷/۵۰	متوسط	پسر	۱۳	۱۳
۱	۲۳ سال	۱۵/۲۵	ضعیف	دختر	۱۴	۱۴

تحلیل تجارب مشارکت‌کنندگان منجر به شناسایی دو مقوله اصلی، ۸ مقوله فرعی و ۳۳ مفهوم اولیه شد که در جدول ۲ نمایش داده شده و در ادامه به آن پرداخته شده است.

جدول ۲. مقوله‌های اصلی و فرعی پژوهش

مفهوم اولیه	مقوله‌های فرعی	مقوله‌های اصلی
رانندگی با سرعت بالا	گرایش به افکار خود آسیب‌رسان	ماهیت خودآسیب‌رسانی نوجوانان
بریدگی روی رگ‌های دست با وسایل برنده و تیز پرش از روی پل مصرف زیاد دارو بریدن رگ دست با تیغ خوردن قرص و مواد کشنده و خطرناک	گرایش به افکار خودکشی	
بی‌خوابی و خواب زیاد حزن و اندوه و خلق افسرده کم و زیاد شدن اشتها ناامیدی به بهبود شرایط اقتصادی بی‌انگیزگی برای تلاش در بهبود شرایط اقتصادی ناامیدی به بهبود رابطه والدین عدم هم‌فکری والدین در مسائل مالی خانواده احساس درماندگی در شرایط سخت اقتصادی کاهش خودارزشمندی و عزت نفس در نوجوان نداشتن همدم و مشوق عدم رفع نیازهای اساسی و مالی حس فقر و تنگدستی عقده کمبود حس ناتوانی در رفع نیازهای اقتصادی حس گناه از ناتوانی و مقصر بودن ترس از سخت‌تر شدن شرایط اقتصادی افکار منفی نسبت به خود درگیری لفظی والدین درگیری فیزیکی والدین عدم گفتگو و رابطه سرد والدین عدم سازش میان والدین کم‌توجهی والدین درک‌ناشدگی از سمت والدین عدم دریافت محبت از طرف والدین خساست والدین	چرایی شکل‌گیری افکار خودکشی نامیدی نسبت به بهبود شرایط اقتصادی احساس تنهایی و بی‌ارزشی عدم کفایت اقتصادی نوجوان اختلافات و تعارضات اقتصادی والدین عدم حمایت‌گری والدین در مشکلات اقتصادی	

سوگیری فرهنگی منفی به خانواده‌های فقیر
تحقیق‌شدگی اقتصادی از سوی دوستان

شرایط فرهنگی در محیط مدرسه و جامعه

براساس یافته‌های جدول ۲، تجزیه و تحلیل داده‌ها منجر به تولید ۲ مقوله اصلی، ۸ مقوله فرعی و ۳۳ مفهوم اولیه گردید. مقوله اصلی اول «ماهیت خودآسیب‌رسانی نوجوانان» و مقوله اصلی دوم «چرایی شکل‌گیری افکار خودکشی» است که در ادامه به توضیح آن پرداخته می‌شود.

۳-۱. ماهیت خودآسیب‌رسانی نوجوانان

مقوله اصلی «ماهیت خودآسیب‌رسانی نوجوانان»، شامل مقولات فرعی گرایش به افکار خودآسیب‌رسان (رانندگی با سرعت بالا و بریدگی روی رگ‌های دست با وسایل برنده و تیز) و گرایش به افکار خودکشی (پرش از روی پل، مصرف زیاد دارو، بریدن رگ دست با تیغ و خوردن قرص و مواد کشنده و خطرناک).

۳-۱-۱. **گرایش به افکار خودآسیب‌رسان:** این مقوله از دو مفهوم رانندگی با سرعت بالا و بریدگی روی رگ‌های دست با وسایل برنده و تیز استخراج شد. مشارکت‌کنندگان در این پژوهش به موضوع افکار و رفتارهایی اشاره داشتند که باعث آسیب به خود در هنگام مواجهه با شرایط ناامن و بحرانی اقتصادی می‌شود. مشارکت‌کنندگان در مصاحبه‌های خویش به داشتن افکار خودآسیب‌رسان اشاره کرده‌اند. مانند: رانندگی با سرعت بالا به‌عنوان یکی از واکنش‌هایی بود که نوجوانان در هنگام رویارویی با مشکلات و اتفاقات درون خانه، ناشی از شرایط نامناسب اقتصادی و مالی و مشکلات مرتبط با آن، بیان کردند: "من به شدت توی زمان‌هایی که خونه می‌شد پر از سروصدا و جروب‌بحث پدر و مادرم سر مشکلات مالی، کسی هم به حرف کسی گوش نمی‌داد، دلم می‌خواست فقط از اونجا و اون همه دعوا فرار کنم و دور بشم، برم با دوچرخه هرچی می‌تونم تو خیابون تند برم و فاصله بگیرم از همشون که منو درک نمی‌کردن و تنها کاری که بلد بودن دعوا بود" (مشارکت‌کننده شماره ۱ و ۹). مشارکت‌کننده دیگر به رفتار ایجاد زخم و بریدگی روی رگ‌های دست با وسایل برنده و تیز اشاره داشت: "توی زمانی که داشتیم به مسائل مالی و مشکلات اقتصادی فکر می‌کردم وسط بحث‌هاشون و توجه می‌کردم، یهویی می‌زد به سرم، که برم بشینم تو اتاق یا حمام، یه جایی که تنها باشم و متوجه نشه کسی و اون حرفاشون رو دیگه یادم بره و با نوک خودکار یا خط کش رو رگ دستم خط بکشم و دردش سرم رو آروم کنه" (مشارکت‌کننده شماره ۲ و ۳ و ۱۱).

۳-۱-۲. **گرایش به افکار خودکشی:** از دیگر مضامین اشاره شده در یافته‌های این پژوهش که به نوعی به آسیب‌های روان‌شناختی ناشی از شرایط نامناسب اقتصادی و مالی و مشکلات مرتبط با آن در خانواده و محیط خانه بود، وجود افکار مرتبط با خودکشی بود. مشارکت‌کنندگان در این پژوهش به رفتارها و افکار مرتبط با خودکشی اشاره می‌کنند که در هنگام مواجهه با شرایط بحرانی درون خانه که ناشی از مشکلات اقتصادی و عدم اطمینان اقتصادی در خانواده بوده اشاره داشتند. این مقوله نیز شامل مفاهیم پرش از روی پل، مصرف زیاد دارو، بریدن رگ دست با تیغ و خوردن قرص و مواد کشنده و خطرناک می‌شود. مشارکت‌کننده دیگر به رفتار پرش از روی پل در مواجهه با بحران و شرایط نامناسب اقتصادی و مالی و مشکلات مرتبط با آن در محیط خانه اشاره داشت: "من مرتب به ذهنم خطور می‌کرد که راه برم از روی یه جای بلند و از ارتفاع بلندی و این حس خوب باعث بشه از روی زمین دور بشم و کمتر فکرهای مشکلات مالی و نداشتن پول منو رو اذیت کنن" (مشارکت‌کننده شماره ۲).

بریدن از روی پل یکی از واکنش‌هایی بود که نوجوانان مصاحبه‌شونده در هنگام مواجهه با بحران و مشکلات اقتصادی و عدم اطمینان اقتصادی در خانواده و محیط خانه اشاره داشتند. "تو وسط اون همه مشکلات مالی خانواده بعضی وقتا به سرم می‌زنه که برم سرپل و واسه همیشه خودم رو از شر کارهاشون خلاص کنم، حتی فکرش بهم به آرامشی می‌ده که دیگه تمامه و راحت میشم" (مشارکت‌کننده شماره ۱۰ و ۷). مشارکت‌کننده دیگری به مصرف زیاد دارو اشاره داشت: "توی زمانی که داشتیم به کمبودها و هزارتا بدبختی و بی‌پولی تو خانوادم نگاه میکردم، میگفتم منم برم هرچی دارو سردرده با هم بخورم تا یه بلایی سر خودم بیارم و تمام بشه اون وضعیت و مسائلم." (مشارکت‌کننده شماره ۸). مشارکت‌کننده دیگر به رفتار زدن رگ دست با تیغ اشاره داشت: "من دیگه از دست گرفتاری‌ها و بی‌پولی‌ها اینقدر کلافه و عصبی میشدم، حتی چندباری فکرایم داشتیم مثل اینکه رگ دستم رو بزوم یا بجوری خودم رو بکشم از این زندگی وسط اونقدر مشکل و نیازها خلاص بشم خودم" (مشارکت‌کننده شماره ۶). مشارکت‌کننده دیگر نیز به افکار مرتبط با رفتار خوردن قرص و مواد کشنده و خطرناک اشاره داشت: "من دیگه واقعا نمیدونستم چیکار کنم که حداقل یکم آروم‌کنه و صبح تا شب اعصابم از دست اون همه بدبختی و مشکل مالی کنترل بشه، حتی دو بار گفتم یه چیزی که مطمئن باشه و امکان نشدن نداشتنه باشه بخورم و تمام" (مشارکت‌کننده شماره ۲ و ۱۴).

۳-۲. چرایی شکل‌گیری افکار خودکشی

مقوله اصلی «چرایی شکل‌گیری افکار خودکشی» نیز شامل ناامیدی نسبت به بهبود شرایط اقتصادی (بی‌خوابی و خواب زیاد، حزن و اندوه و خلق افسرده، کم و زیاد شدن اشتها، ناامیدی به بهبود شرایط اقتصادی، بی‌انگیزگی برای تلاش در بهبود شرایط اقتصادی و ناامیدی به بهبود رابطه والدین)، احساس تنهایی و بی‌ارزشی (عدم هم‌فکری والدین در مسائل مالی خانواده، احساس درماندگی در شرایط سخت اقتصادی، کاهش خودارزشمندی و عزت نفس در نوجوان و نداشتن همدم و مشوق)، عدم کفایت اقتصادی نوجوان (عدم رفع نیازهای اساسی و مالی، حس فقر و تنگدستی، عقده کمبود، حس ناتوانی در رفع نیازهای اقتصادی، حس گناه از ناتوانی و مقصر بودن، ترس از سخت‌تر شدن شرایط اقتصادی و افکار منفی نسبت به خود)، اختلافات و تعارضات اقتصادی والدین (درگیری لفظی والدین، درگیری فیزیکی والدین، عدم گفتگو و رابطه سرد والدین و عدم سازش میان والدین)، عدم حمایت‌گری والدین در مشکلات اقتصادی (کم‌توجهی والدین، درک‌ناشدگی از سمت والدین، عدم دریافت محبت از طرف والدین و حساست والدین) و شرایط فرهنگی در محیط مدرسه و جامعه (سوگیری فرهنگی منفی به خانواده‌های فقیر و تحقیر شدگی اقتصادی از سوی دوستان) را شامل می‌شوند.

۳-۲-۱. ناامیدی نسبت به بهبود شرایط اقتصادی: از دیگر مضامین اشاره شده در یافته‌های این پژوهش عدم امید نسبت به تغییر و بهبود شرایط اقتصادی در خانواده بود که مصاحبه‌شوندگان در این پژوهش به آن در هنگام مواجهه با شرایط سخت مالی و اقتصادی در خانواده تجربه نمودند. این مقوله از مفاهیم بی‌خوابی و خواب زیاد، حزن و اندوه و خلق افسرده، کم و زیاد شدن اشتها، ناامیدی به بهبود شرایط اقتصادی، بی‌انگیزگی برای تلاش در بهبود شرایط اقتصادی و ناامیدی به بهبود رابطه والدین تشکیل شده است. یکی از مصاحبه‌شوندگان به تغییرات خواب خود و خلق افسرده اشاره داشت: "من خیلی زندگیم تغییر کرد توی دوره‌ای که شدیداً بی‌پولی تو خونوادم بوجود اومده بود و حقیقتاً برای کوچکترین چیزها نمی‌تونستم خرید کنم، بعضی شب تا اصلاً خواب نمی‌برد ولی به‌وقتی هم وسط روز و شب زود خوابم می‌برد و قبلش کلی به مسائل و شرایط سخت مالی فکر می‌کردم و تو ذهنم بالا و پایین می‌شدن" (مشارکت‌کننده شماره ۱۲). مشارکت‌کننده دیگری به وجود حزن و اندوه در طی روز اشاره داشت: "واقعاً یادمه اینقدر که مشکلات و مسائل مالی چه تو خونه و بین فامیل و چه بیرون زیاد بود که تنها چیزی که برام داشت خجالت بود و همیشه خدا من یه ناراحتی عجیبی رو دلم و قلبم سنگینی می‌کرد و نمی‌خواستم با کسی حتی حرف بزنم و فقط گریه خوب بود" (مشارکت‌کننده شماره ۳ و ۱۴).

مصاحبه‌شونده دیگر به کم و زیاد شدن اشتها اشاره داشت: "خب من واقعاً تو دوره پر از مشکلات اقتصادی اعصابم داغون بود حتی زخم معده هم از ناراحتی اعصابم گرفته بودم به ادم افسرده‌ای شده بودم که حتی غذا خوردنم هم بهم ریخته بود و یا خیلی زیاد گرسنم می‌شد هم به‌وقتی کلاً نمی‌تونستم چیزی بخورم" (مشارکت‌کننده شماره ۱ و ۵). یکی از مصاحبه‌شوندگان به ناامیدی به بهبود شرایط اقتصادی اشاره داشت: "واقعاً اوضاع خیلی سخت و بدی بودش، من دیگه به‌طور کلی نسبت به مسائل مالی و اینکه یه روزی سروسامان بگیرم شرایط ناامید شده بودم و نیازهای معیشتی خانواده حتی بهم ریخته بود." (مشارکت‌کننده شماره ۱۲ و ۱۳). مشارکت‌کننده دیگری به بی‌انگیزگی برای تلاش در زمینه بهبود شرایط اقتصادی خانواده اشاره داشت: "هر راهی که می‌شد رو امتحانش کردم ولی نه من می‌تونم اونا و اوضاع مالی رو عوض کنم و ناامید شدم ازشون و هم دیگه انگیزه و حوصله اینو ندارم تلاشی کنم واسشون" (مشارکت‌کننده شماره ۶ و ۸) مشارکت‌کننده دیگری به ناامیدی به بهبود رابطه والدین اشاره داشت: "متأسفانه والدینم اونقدر برای حل مشکلات اقتصادی با هم مشکل دارن، که هیچوقت به تفاهم نمی‌رسند و نمی‌تونند مشکلات اقتصادی خانوادمونو حل کنند و من هم دیگه از اینکه رابطشون خوب بشه یا حداقل بهتر بشه ناامید شدم" (مشارکت‌کننده شماره ۲ و ۴ و ۷).

۳-۲-۲. احساس تنهایی و بی‌ارزشی: دیگر مضمون به‌دست آمده در مصاحبه با نوجوانان احساس تنهایی و بی‌ارزشی بود و آن‌ها به عدم هم‌فکری والدین در مسائل مالی خانواده، احساس درماندگی در شرایط سخت اقتصادی، کاهش خودارزشمندی و عزت نفس در نوجوان و نداشتن همدم و مشوق در خلال مصاحبه‌هایشان اشاره داشتند که در هنگام مواجهه با رفتارهای پرتنش میان والدین خود در جریان بحث و جدل تجربه نمودند. مشارکت‌کنندگان در مصاحبه‌های خویش به داشتن احساس درماندگی در شرایط سخت اقتصادی و کاهش خودارزشمندی و عزت نفس در نوجوان و نداشتن همدم و مشوق در هنگام رویارویی با مشکلات و بحران‌های اقتصادی خانواده و عدم هم‌فکری والدین در مسائل مالی خانواده اشاره نمودند. "روز به روز داشت شرایط خونه رابطه پدر و مادرم خراب‌تر می‌شد و منم هیچکاری از دستم بر نمی‌اومد. خیلی زیاد حس می‌کردم واقعاً دیگه نمی‌تونم هیچکاری کنم و همش حس تنهایی داشتم و اونا منو هیچ طوری درک نمی‌کردن" (مشارکت‌کننده شماره ۳ و ۱۱ و ۱۲).

۳-۲-۳. عدم کفایت اقتصادی نوجوان: در یافته‌های این پژوهش از دیگر مضامینی که به آن اشاره شده عدم کفایت اقتصادی نوجوان است که از مفاهیم عدم رفع نیازهای اساسی و مالی، حس فقر و تنگدستی، عقده کمبود، حس ناتوانی در رفع نیازهای اقتصادی، حس گناه از ناتوانی و مقصر بودن، ترس از سخت‌تر شدن شرایط اقتصادی و افکار منفی نسبت به خود تشکیل شده است. مصاحبه‌شوندگان در این پژوهش به موضوع مشکلات و کمبودهای اقتصادی، همچنین عدم ارضای نیازهای اقتصادی اولیه خویش نیز

اشاره می‌کنند که در هنگام مواجهه با سخت مالی و اقتصادی تجربه کردند. مشارکت‌کنندگان در مصاحبه‌های خویش به موضوع عدم رفع نیازهای اساسی و مالی اشاره کرده‌اند. عدم رفع نیازهای اساسی و مالی از موضوعاتی بود که نوجوانان مصاحبه‌شونده در هنگام مواجهه با بحران و مشکلات اقتصادی و عدم اطمینان اقتصادی در خانواده و محیط خانه بدان اشاره داشتند. "واقعا من حتی نمی‌تونم به خرید راحت واسه خودم داشته باشم و همیشه درگیر این هستم که نمیتونم بازار برم و همه چیزهایی که لازم دارم خرید کنم پس اندازه هم ندارم." (مشارکت‌کننده شماره ۴ و ۵). مشارکت‌کنندگان در مصاحبه‌های خویش به رفتارها و افکاری همچون حس فقر و تنگدستی در رفع نیازهای اقتصادی و همچنین عقده کمبود در نوجوان اشاره کرده‌اند. حس فقر و تنگدستی در رفع نیازهای اقتصادی یکی از واکنش‌هایی بود که نوجوانان مصاحبه‌شونده در هنگام مواجهه با بحران و مشکلات اقتصادی و عدم اطمینان اقتصادی در خانواده و محیط خانه اشاره داشتند. "یه احساس خیلی بدی دارم از اینکه برای تهیه چیزهایی که لازمه به مشکل می‌خورم، درواقع یجور احساس ناتوانی دارم همیشه نسبت به این مسئله که حل نمیشه." (مشارکت‌کننده شماره ۲ و ۱۲).

مصاحبه‌شونده دیگر به عقده کمبود در نوجوان اشاره داشت: "یه فکری هست و درگیرشم که من اون انسان واقعی و به مدل از کمال رو ندارم و غرورم از این مشکلات مالی خونادم و شرایطی که وجود داره خیلی آسیب خورده و دیگه هم فکر نمی‌کنم به عقب برگردم چیزی یا درست بشه و من یه ادم ضعیفم" (مشارکت‌کننده شماره ۹ و ۱۴). مشارکت‌کننده دیگری به حس ناتوانی در رفع نیازهای اقتصادی اشاره داشت. "حقیقت بریدم من دیگه، اصلا هر جوری از هزینه‌هام می‌زنم و می‌گم اینو نخرم و اونو نخرم، بازم پول کم میارم و هزارتا مشکل واسم میمونه" (مشارکت‌کننده شماره ۱۱). همچنین مصاحبه‌شونده دیگری به موضوع حس گناه از ناتوانی و مقصر بودن اشاره کرد: "منم خب یجورایی شاید مقصر باشم، نمیدونم ولی حسم اینه اگر من نباشم اونا زندگیشون خوب میشه یا حداقل اینقدر سر مسائل اقتصادی و مخارج مختلف با هم بحث و جدل نمیکنن" (مشارکت‌کننده شماره ۱ و ۷ و ۱۳). یکی از مصاحبه‌شوندگان به احساس ترس ناشی از سخت‌تر شدن شرایط اقتصادی خانواده اشاره کرد: "من حالم از خودم بد میشه و واقعا هم میترسم اوضاع اقتصادی خونادمون سخت‌تر هم بشه این وضعیت، وقتی می‌بینم چند ساله همین شرایط و اوضاع خراب تو خونومه و پدر و مادر، با هم دائم در حال جنگ و دعوا هستن ولی هیچکاری از دست من برنمیاد، دائما همه چیز هم خراب‌تر میشه و هرکاری هم می‌کنم تاثیری نداره." (مشارکت‌کننده شماره ۴ و ۵ و ۹). یکی از مصاحبه‌شوندگان به وجود افکار منفی نسبت به خویش اشاره داشت: "با خودم فکر می‌کنم ای کاش اصلا من بدنیا نمیومدم، یا اینکه شاید دعاها و مشکلاتشون بخاطر من بوده. در هر صورت حس خوبی ندارم از بودنم و این زندگی که دارم و خودم رو سرزنش می‌کنم چرا اینطوری شده وضعیت مالی خونادم" (مشارکت‌کننده شماره ۶ و ۷).

۳-۲-۴. اختلافات و تعارضات اقتصادی والدین: از دیگر مضامین اشاره شده در یافته‌های این پژوهش که به چگونگی تأثیر عدم اطمینان و کفایت اقتصادی خانواده بر روی گرایش نوجوانان به افکار خودکشی اشاره داشت، می‌توان به: درگیری لفظی والدین، درگیری فیزیکی والدین، عدم گفتگو و رابطه سرد والدین و عدم سازش میان والدین اشاره کرد. در این پژوهش به موضوع مشکلات و عدم سازگاری اقتصادی در میان والدین در هنگام مواجهه با شرایط سخت مالی و اقتصادی پرداخته شد. درگیری لفظی والدین از جمله مواردی که نوجوانان در هنگام بحران‌ها و مشکلات مرتبط با تنش و گسست در رابطه والدین خود به آن اشاره داشتند: "توی خونه به شدت مامان و بابا با هم دعوا می‌کردن سر همین مشکلات و مسائل اقتصادی و هرچی من هم جیغ می‌زدم انگار که نه انگار و صدای دعوهاشون بعضی وقت‌ها منو از خواب بیدار می‌کرد. حتی چند دفعه آبروریزی می‌شد و همسایه‌ها جمع می‌شدن جلو در خونمون که چی شده." (مشارکت‌کننده شماره ۱۴). مشارکت‌کننده دیگری به وجود درگیری فیزیکی والدین اشاره داشت: "یادمه پدرم همیشه برخورد تندی می‌کرد با مامانم و اون رو اذیت می‌کرد، بعدش مادرمم می‌رفت و از توی آشپزخونه وسایل رو میزد زمین و می‌شکست." (مشارکت‌کننده شماره ۸ و ۹ و ۱۴). مشارکت‌کنندگان در مصاحبه‌های خویش به عدم گفتگو و رابطه سرد والدین، همچنین عدم سازش میان والدین خویش اشاره کرده‌اند. "اصلاً هیچ رحم و فرصتی اونا به همدیگه نمی‌دادن و به شدت وقتی مسئله‌ای پیش می‌اومد و سر قضایای پول و مخارج می‌خواستن از همدیگه انتقام بگیرن و پراز دعوا می‌شد خونمون" (مشارکت‌کننده شماره ۶ و ۱۳).

۳-۲-۵. عدم حمایتگری والدین در مشکلات اقتصادی: از دیگر مضامین اشاره شده در یافته‌های این پژوهش که اشاره به چگونگی تأثیر عدم اطمینان اقتصادی بر روی گرایش نوجوانان به افکار خودکشی داشت، حامی نبودن و عدم درک شدن از سمت والدین بود. مصاحبه‌شوندگان در این پژوهش به موضوع حامی نبودن و عدم درک شدن توسط والدین اشاره می‌کنند که در هنگام مواجهه با شرایط نامناسب اقتصادی در خانواده تجربه کردند. عدم حمایتگری والدین در مشکلات اقتصادی نیز شامل مفاهیم کم‌توجهی والدین، درک‌ناشدگی از سمت والدین، عدم دریافت محبت از طرف والدین و خساست والدین است. یکی از مصاحبه‌شوندگان به کم‌توجهی والدین خود اشاره نمود: "من تو اون شرایط اقتصادی خب واقعا حس اینکه یه خانواده پشتمه یا پدر و مادر دارم واسم بی‌معنی شده و هیچکدومشون اصلا توجهی به من نمی‌کنن و کاری با من ندارن جز اینکه درست چی‌شد و چرا اینجوری هستی و همش گیردادن‌های الکی رو مهم

می‌دونن." (مشارکت‌کننده شماره ۵ و ۸). مشارکت‌کننده دیگری به موضوع درک‌ناشدگی از سمت والدین خود اشاره داشت: "پدر و مادرم اصلاً منو درک نمی‌کنن، اصلاً نمی‌فهمن من چی می‌گم، چی می‌خوام، چه کارایی دوس دارم بکنن، نیازهام چیه. دوس دارم باهام حرف بزنن، باشون درودل کنم و بهم بگن چه نیازی داری، چیا دوس داری، کجاها دوس داری بری یا بریم. حتی مادرم نشده بگه چه غذایی دوس داری برات درست کنم، یا پدرم بگه دوس داری چی برات بخرم و کجا بیرمت با هم خانوادگی خوش بگذرونیم" (مشارکت‌کننده شماره ۱ و ۶ و ۹). مشارکت‌کننده دیگری به موضوع عدم دریافت محبت از طرف والدین خود اشاره داشت: "یادم نمیداد حتی کوچکتترین ابراز محبتی از سمت پدر و مادرم داشتیم، وقتی می‌بینم هیچ ارزشی واسشون ندارم و انگار بزور منو تو خونه تحمل می‌کنن، دیگه واسه چی زندگی کنم، دارم می‌بینم پدر و مادر دوستانم رو که چقدر به بچه‌هاشون اهمیت میدن" (مشارکت‌کننده شماره ۱۲). مشارکت‌کننده دیگری به حساسیت والدین اشاره داشت: "وقتی از پدر و مادرم پول می‌خوام، بهانه میارن و هر چی اصرار می‌کنم یا پول نمیدن یا اینقدر کم میدن که اصن نمی‌تونم کاری باش بکنم و کارم راه نمیفته با اون مقدار پول" (مشارکت‌کننده شماره ۴ و ۱۱).

۳-۲-۶. شرایط فرهنگی در محیط مدرسه و جامعه: مقوله آخر به‌دست آمده در مصاحبه با نوجوانان که مورد بررسی قرار گرفت، شرایط فرهنگی در محیط مدرسه و جامعه بود که از مفاهیم سوگیری فرهنگی منفی به خانواده‌های فقیر و تحقیرشدگی اقتصادی از سوی دوستان استخراج شد. در هنگام مواجهه با شرایط عدم اطمینان اقتصادی خانواده، موضوعی که افکار نوجوانان را درگیر می‌کرد، سوگیری اطرافیان، دوستان و همسالان نسبت به خانواده‌های با سطح اقتصادی پایین بود. یکی از مصاحبه‌شوندگان به مسئله سوگیری فرهنگی منفی به خانواده‌های فقیر اقتصادی اشاره داشت: "تو هر جایی که می‌خوام برم ترس اینو دارم بفهمن پدر و مادرم شرایط مالی خوبی ندارن و حتی چندباری مدیر مدرسه و معاون درباره این موضوع باهام حرف زدن که کمک کنن" (مشارکت‌کننده شماره ۴ و ۷). مشارکت‌کننده دیگری به موضوع نگاه منفی و تحقیرشدگی اقتصادی از سوی دوستان نسبت به همسالان با سطح اقتصادی پایین اشاره داشت. "بچه‌ها دلشون نمی‌خواد یعنی شاید خانواده‌هاشون نمیدارن با کسی دوست بشن که از خانواده فقیری هست که درآمد خوبی ندارن و فکر می‌کنن از بچه‌های اونا سواستفاده می‌کنن و خیلی نگرانم و مخفی می‌کنم این مسئله مشکلات مالی خونوارم رو" (مشارکت‌کننده شماره ۵ و ۱۰ و ۱۱).

۴. بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف تحلیل ادراک دانش‌آموزان نوجوان نسبت به تأثیر عدم اطمینان اقتصادی در خانواده بر گرایش به افکار خودکشی انجام شد. در این راستا، با استفاده از رویکرد پدیدارشناسی توصیفی، تجربه زیسته ۱۴ نوجوان مورد بررسی قرار گرفت و دو مقوله اصلی شامل «ماهیت خودآسیب‌رسانی نوجوانان» و «چرایی شکل‌گیری افکار خودکشی» شناسایی شد. این دو مقوله اصلی از دل هشت مضمون فرعی استخراج شدند که در ادامه تبیین می‌گردد.

ماهیت خودآسیب‌رسانی نوجوانان

نخستین مقوله اصلی به «ماهیت خودآسیب‌رسانی نوجوانان» اختصاص داشت که دربردارنده دو مضمون فرعی بود: «گرایش به افکار خودآسیب‌رسان» و «گرایش به افکار خودکشی». نوجوانان شرکت‌کننده در مصاحبه‌ها از افکار و رفتارهایی چون بریدن رگ دست، مصرف دارو، پرش از بلندی یا ایجاد موقعیت‌های پرخطر برای خود نام بردند؛ مواردی که در متون علمی نیز به‌عنوان رفتارهای پرخطر و خودآسیب‌رسان شناخته می‌شوند (نولن هوکسما^۱، ۲۰۱۹؛ آنتونی و بتمن^۲، ۲۰۱۳). یافته‌ها نشان دادند که چنین رفتارهایی گاه به‌عنوان مکانیسم مقابله‌ای ناسازگار در برابر استیصال اقتصادی مورد استفاده قرار می‌گیرد. این نتایج با پژوهش‌های رامن^۳ و همکاران (۲۰۲۱) و سازمان بهداشت جهانی (۲۰۲۱) که بر شیوع بالای افکار خودکشی در میان نوجوانان تأکید دارند، همسوست. همچنین، یافته‌ها با مطالعات چنگ و همکاران (۲۰۲۱) و پان و همکاران (۲۰۲۱) در مورد نقش برجسته افکار خودکشی در مرگ‌ومیر نوجوانان مطابقت دارد.

چرایی شکل‌گیری افکار خودکشی

مقوله دوم پژوهش با عنوان «چرایی شکل‌گیری افکار خودکشی» به تبیین علل و زمینه‌های اجتماعی، روانی و اقتصادی تأثیرگذار بر این پدیده در نوجوانان پرداخت. این مقوله دربرگیرنده شش مضمون فرعی بود:

¹ Nolen-Hoeksema

² Anthony & Bateman

³ Raemen

(۱) ناامیدی نسبت به بهبود شرایط اقتصادی: نوجوانان اظهار داشتند که با درک نبود چشم‌انداز روشن برای بهبود وضعیت اقتصادی، احساس یأس، بی‌معنایی زندگی و نگرش منفی به آینده در آن‌ها تقویت شده است. این یافته با تحقیقات ول^۱ (۲۰۱۷) و مارتین‌کاراسکو^۲ و همکاران (۲۰۱۶) در مورد نقش ناامیدی اقتصادی در افزایش افسردگی و گرایش به خودکشی مطابقت دارد.

(۲) احساس تنهایی و بی‌ارزشی: مشارکت‌کنندگان تجربه‌هایی از طرد، نداشتن حامی، نادیده‌انگاری در خانواده و مقایسه تحقیرآمیز با دیگران را مطرح کردند که احساس انزوا و کاهش عزت نفس را در آن‌ها تقویت کرده است. این مضمون با پژوهش‌های گونر^۳ و همکاران (۲۰۲۱) و هاشمی و عینی^۴ (۱۳۹۸) که بر تهدید سلامت روان توسط تنهایی و ادراک انزوای اجتماعی تأکید دارند، همخوان است.

(۳) عدم کفایت اقتصادی نوجوان: بسیاری از نوجوانان از ناتوانی در تأمین نیازهای اولیه، احساس فقر و ترس از وخامت وضعیت اقتصادی سخن گفتند. تحلیل این تجربیات با یافته‌های کوک (۲۰۱۹)، بروین و همکاران (۲۰۲۰)، و کلاوریا (۲۰۲۲) که ارتباط بین پایین بودن درآمد، ناامیدی و افزایش گرایش به خودکشی را تأیید می‌کنند، همسویی دارد.

(۴) تعارضات اقتصادی والدین: نوجوانان تنش‌های شدید میان والدین را تجربه کرده بودند که عمدتاً حول محور مسائل مالی شکل می‌گرفت. فضای متشنج خانوادگی، درگیری‌های مکرر و عدم سازش والدین منجر به احساس ناامنی روانی در نوجوان شده و به‌عنوان عامل تشدیدکننده رفتارهای پرخطر عمل کرده است. یافته‌های گائو^۵ و همکاران (۲۰۱۸) و شیفتگی^۶ و همکاران (۱۴۰۱) نیز نقش مؤثر تعارضات زناشویی بر بروز اختلالات خلقی را تأیید می‌کنند.

(۵) عدم حمایت عاطفی والدین: کم‌توجهی، بی‌مهری، عدم درک متقابل و نبود همدلی والدین از نکات تکرارشونده در مصاحبه‌ها بود. نوجوانان نبود حمایت عاطفی را معادل بی‌پناهی و بی‌ارزشی درک کرده بودند. این مضمون با نظریه‌های حمایت اجتماعی و یافته‌های سارافینو^۷ (۲۰۰۲) درباره نقش حمایت عاطفی در سلامت روان افراد مطابقت دارد.

(۶) فشارهای فرهنگی و اجتماعی: تحقیرهای مبتنی بر فقر، طرد در مدرسه و برچسب‌های منفی از سوی همسالان یا جامعه، در کاهش اعتمادبه‌نفس و افزایش افکار منفی نقش داشته است. این یافته‌ها با مطالعات فریدون^۸ و همکاران (۱۳۸۸) درباره تبعیض و سوگیری فرهنگی علیه اقشار آسیب‌پذیر همسو است.

براساس یافته‌های این پژوهش، می‌توان نتیجه گرفت که فشارهای اقتصادی، تنها به فقر مالی محدود نمی‌شوند، بلکه پیامدهای روانی-اجتماعی عمیقی برای نوجوانان در پی دارند. بحران‌های اقتصادی در قالب ناامیدی، احساس ناتوانی، فروپاشی حمایت‌های خانوادگی و فشارهای فرهنگی، مسیر شکل‌گیری افکار خودکشی و رفتارهای پرخطر را در نوجوانان هموار می‌کنند. در این میان، طراحی سیاست‌های حمایتی مبتنی بر کاهش فقر، آموزش خانواده‌ها برای ارتقاء همدلی و حمایت عاطفی، ایجاد محیط‌های مدرسه‌محور همدلانه، آموزش تاب‌آوری روان‌شناختی، و توسعه خدمات مشاوره‌ای هدفمند برای نوجوانان در معرض خطر، ضرورت دارد. این مطالعه با تمرکز بر تجربه زیسته نوجوانان، خلأ مطالعات کیفی در زمینه تأثیر عوامل اقتصادی بر سلامت روان نسل جوان را پوشش داده و می‌تواند مبنای برنامه‌ریزی‌های مداخلاتی و سیاست‌گذاری‌های اجتماعی و آموزشی قرار گیرد.

این پژوهش، مانند سایر مطالعات، با محدودیت‌هایی همراه بود. نخست، شرایط مصاحبه و ضبط صدا ممکن است بر نحوه بیان عقاید و احساسات مصاحبه‌شوندگان تأثیرگذار بوده باشد و میزان آشنایی و اعتماد آنان نسبت به پژوهشگر می‌تواند بر گشایش و صداقت پاسخ‌ها اثر گذاشته باشد. دوم، با توجه به ماهیت اجتماعی موضوع پژوهش و ارتباط آن با برخی سیاست‌گذاری‌های کشور، ممکن است شرکت‌کنندگان پیش‌فرض‌ها یا برداشت‌هایی درباره انگیزه‌های پژوهشگر داشته باشند که بر نحوه پاسخ‌دهی آن‌ها اثرگذار بوده باشد. نهایتاً، بیان شرایط دشوار اقتصادی خانواده و موقعیت‌های چالش‌برانگیز تصمیم‌گیری، در برخی لحظات باعث واکنش‌های هیجانی، سکوت یا توقف موقت مصاحبه شد که گاهی محدودیتی برای پژوهشگر در دستیابی به اطلاعات کامل ایجاد می‌کرد.

1 Well

2 Martin-Carrasco

3 Guner

4 Hashemi & Aini

5 Gao

6 Shiftagi

7 Sarafino

8 Fereydoun

۴-۲. پیشنهادات پژوهش

برای پیشگیری از آسیب‌های روانی و اجتماعی و کاهش گرایش به خودکشی در نوجوانان، به ویژه آن‌هایی که از خانواده‌های آسیب‌دیده یا از هم گسسته هستند، لازم است محیطی امن و حمایت‌کننده در مدارس فراهم گردد. در این راستا، تشکیل تیم‌های تخصصی متشکل از مشاوران خانواده و نوجوان در سطح نواحی آموزش و پرورش می‌تواند به عنوان شبکه حمایتی مستمر عمل کند و ضمن پایش وضعیت تحصیلی، روانی و رفتاری دانش‌آموزان، از آسیب‌های احتمالی پیشگیری نماید. برگزاری جلسات مشاوره گروهی ویژه نوجوانان دارای خانواده‌های آسیب‌دیده می‌تواند تاب‌آوری آنان را تقویت کرده و گرایش به خودکشی را کاهش دهد، و همزمان بهره‌برداری از ظرفیت مددکاران اجتماعی سازمان بهزیستی به پیشگیری از مخاطرات احتمالی کمک می‌کند. همکاری با مراکز آموزش عالی برای تدوین پروتکل‌های مداخله و پیشگیری در زمینه خودکشی نوجوانان، برگزاری دوره‌های آموزشی مهارت‌آموزی و کارگاه‌های پیشگیری از خودکشی به شکل مستمر و فعال، و ارجاع به موقع دانش‌آموزان نیازمند به مراکز درمانی و روان‌شناختی از دیگر اقدامات ضروری هستند. همچنین، برگزاری جلسات مشاوره تخصصی برای والدین و مربیان به منظور آموزش نحوه حمایت از نوجوانان، و آموزش معلمان و مدیران مدارس درباره فرایندهای شناسایی و ارجاع دانش‌آموزان در معرض خطر، می‌تواند نقش مؤثری در کاهش آسیب‌ها ایفا کند. در کنار این اقدامات، ترویج تفکر امیدبخش و مهارت‌های مقابله‌ای در نظام آموزش و پرورش، سوق دادن آن به سمت مهارت‌آموزی و تربیت نیروهای جوان کارآمد برای افزایش فرصت‌های اقتصادی و نهادینه‌سازی برنامه‌های ورزشی روزانه برای تمامی دانش‌آموزان، با توجه به تأثیر مثبت ورزش در بهبود سلامت روان و پیشگیری از رفتارهای خودآسیب‌رسان، از جمله راهکارهای مؤثر و جامع در این حوزه محسوب می‌شوند.

۵. تعارض منافع

نویسندگان این پژوهش اعلام می‌کنند که هیچگونه تعارض منافع مالی، حرفه‌ای یا شخصی که بتواند بر نتایج یا تفسیر داده‌های این مطالعه تأثیر بگذارد، وجود ندارد.

۶. منابع مالی

هیچگونه حمایت مالی در این پژوهش وجود ندارد.

۷. تأییدیه اخلاقی و رضایت مشارکت‌کنندگان

در این پژوهش، اصول اخلاقی کنوانسیون هلسینکی رعایت شده است و تمامی مراحل پژوهش با هماهنگی و احترام کامل به حقوق شرکت‌کنندگان انجام گردیده است. شرکت‌کنندگان پیش از شروع مصاحبه‌ها، به صورت کامل در جریان هدف و روند پژوهش قرار گرفته و رضایت آگاهانه خود را برای حضور و ارائه اطلاعات اعلام کردند. همچنین رضایت تمامی مشارکت‌کنندگان و نویسندگان برای انتشار نتایج این مطالعه اخذ شده است.

۸. رضایت برای انتشار

شرکت‌کنندگان و نویسندگان رضایت خود را مبنی بر انتشار این پژوهش اعلام می‌دارند.

References

- Abdou, R., Cassells, D., Berrill, J., & Hanly, J. (2022). Revisiting the relationship between economic uncertainty and suicide: An alternative approach. *Social Science & Medicine*, 306, 115095. <https://doi.org/10.1016/j.socscimed.2022.115095>
- Andrés, A. R., Collings, S., & Qin, P. (2010). Sex-specific impact of socio-economic factors on suicide risk: a population-based case-control study in Denmark. *European journal of public health*, 20(3), 265-270. <https://doi.org/10.1093/eurpub/ckp183>
- Anthony W. Bateman, Roy Krawitz (2013). *Borderline Personality Disorder: An evidence-based guide for generalist mental health professionals*. OUP Oxford. DOI:10.1192/pb.bp.113.044677

- Bruin, A., Agyemang, A., & Chowdhury, M. I. H. (2020). New insights on suicide: uncertainty and political conditions. *Applied Economics Letters*, 27(17), 1424-1429. DOI: 10.1080/13504851.2019.1686453
- Chang, Q., Xing, J., Chang, R., Ip, P., Fong, D. Y. T., Fan, S., ... & Yip, P. S. (2021). Online sexual exposure, cyberbullying victimization and suicidal ideation among Hong Kong adolescents: Moderating effects of gender and sexual orientation. *Psychiatry Research Communications*, 1(2), 100003. DOI:10.1016/j.psycom.2021.100003
- Chang, S. S., Stuckler, D., Yip, P., & Gunnell, D. (2013). Impact of 2008 global economic crisis on suicide: time trend study in 54 countries. *Bmj*, 347. <https://doi.org/10.1136/bmj.f5239>
- Chen, J., Zheng, X., Li, C., Xiong, Q., Yu, Q., Shi, S., & Hu, Y. (2020). The association between parental marriage satisfaction and adolescent suicidal ideation: The moderating effect of breastfeeding duration. *Children and Youth Services Review*, 118, 105459. <https://doi.org/10.1016/j.childyouth.2020.105459>
- Cheng, G., Liu, J., Yang, Y., Wang, Y., Xiong, X., & Liu, G. (2021). Stressful events and adolescents' suicidal ideation during the COVID-19 epidemic: A moderated mediation model of depression and parental educational involvement. *Children and youth services review*, 127, 106047. <https://doi.org/10.1016/j.childyouth.2021.106047>
- Claveria, O. (2022). Global economic uncertainty and suicide: Worldwide evidence. *Social Science & Medicine*, 305, 115041. <https://doi.org/10.1016/j.socscimed.2022.115041>
- Cook, A. (2019). The education–suicide mortality gradient. *Applied economics letters*, 26(9), 717-721. DOI: 10.1080/13504851.2018.1489499
- Creswell, J. W. (2009). *Qualitative Inquiry and Research Design: Choosing Among Five Approaches*. California, U.S.A: Sage Publications, Inc.
- Denney, J. T., Wadsworth, T., Rogers, R. G., & Pampel, F. C. (2015). Suicide in the city: do characteristics of place really influence risk?. *Social Science Quarterly*, 96(2), 313-329. DOI: 10.1111/ssqu.12165
- Er, S. T., Demir, E., & Sari, E. (2023). Suicide and economic uncertainty: New findings in a global setting. *SSM-Population Health*, 22, 101387. DOI: 10.1016/j.ssmph.2023.101387
- Fereydoun, H., et al. (2009). A study of discrimination and cultural bias against vulnerable populations. *Social Welfare Quarterly*, 9(3), 45–72. [In Persian].
- Gao, T., Meng, X., Qin, Z., Zhang, H., Gao, J., Kong, Y., ... & Mei, S. (2018). Association between parental marital conflict and Internet addiction: A moderated mediation analysis. *Journal of affective disorders*, 240, 27-32. DOI: 10.1016/j.jad.2018.07.005
- Goto, H., Kawachi, I., & Vandoros, S. (2024). The association between economic uncertainty and suicide in Japan by age, sex, employment status, and population density: an observational study. *The Lancet Regional Health–Western Pacific*, 46. <https://doi.org/10.1016/j.lanwpc.2024.101069>
- Guner, T. A., Erdogan, Z., & Demir, I. (2021). The Effect of loneliness on death anxiety in the elderly during the COVID-19 pandemic. *OMEGA-Journal of Death and Dying*, 0(0), 1-21. DOI: 10.1177/00302228211010587
- Hajizadeh Asal, A., Jafari, J., & Khodamoradi, H. E. (2021). Investigating the effect of economy on the suicide rate in Iran. *Police Cultural Studies (Hamadan Police Knowledge)*, 8(2 (29)), 1-14. <https://sid.ir/paper/413372/fa> (In Persian)
- Hashemi, Z., & Aini, S. (2019). Perceived stress in the elderly: the role of spiritual intelligence, self-compassion and psychological toughness. *Psychology of Aging*, 5(4), 289-299. 10.22126/jap.2020.4836.1381 (In Persian)
- Iran Statistics Center. (2023). *Statistical yearbook of the country in the year 1400*. First edition, office of the directorate, public relations and international cooperation. (In Persian)
- Jahani Daulatabad, I., Ashairi, T., & Shiri, M. (2023). Investigating the relationship between macroeconomic indicators and suicide rates in the country's provinces: secondary analysis of 1390-1400 statistics. *Strategic Researches of Iran's Social Issues*, 12(3), 41-62. 10.22108/srsp.2023.138482.1921 (In Persian)

- Kang, C., Zheng, Y., Yang, L., Wang, X., Zhao, N., Guan, T. F., ... & Hu, J. (2021). Prevalence, risk factors and clinical correlates of suicidal ideation in adolescent patients with depression in a large sample of Chinese. *Journal of affective disorders*, 290, 272-278. <https://doi.org/10.1016/j.jad.2021.04.073>
- Kinchin, I., Doran, C. M., Hall, W. D., & Meurk, C. (2017). Understanding the true economic impact of self-harming behaviour. *The Lancet Psychiatry*, 4(12), 900-901. DOI: 10.1016/S2215-0366(17)30411-X
- Martin-Carrasco, M., Evans-Lacko, S., Dom, G., Christodoulou, N., Samochowiec, J., Gonzalez-Fraile, E., Bienkowski, P., Gomez-Beneyto, M., Dos Santos, M.H., Wasserman, D. (2016). EPA guidance on mental health and economic crises in Europe. *Eur. Arch. Psychiatr. Clin. Neurosci.* 266, 89–124. <https://doi.org/10.1007/s00406-016-0681-x>
- Milner, A., Witt, K., LaMontagne, A. D., & Niedhammer, I. (2018). Psychosocial job stressors and suicidality: a meta-analysis and systematic review. *Occupational and environmental medicine*, 75(4), 245-253. DOI: 10.1136/oemed-2017-104531
- Mohammadpour, A. (2014). Contexts, consequences, and adaptation of divorced women in Tehran: A phenomenological study. *Family Counseling and Psychotherapy Journal*, 12. [In Persian]
- Nolen-Hoeksema, S. (2019). *Abnormal psychology* (8th ed.). McGraw-Hill.
- Okado, I., Floyd, F. J., Goebert, D., Sugimoto-Matsuda, J., & Hayashi, K. (2021). Applying ideation-to-action theories to predict suicidal behavior among adolescents. *Journal of affective disorders*, 295, 1292-1300. <https://doi.org/10.1016/j.jad.2021.08.137>
- Pan, C. H., Lee, M. B., Wu, C. Y., Liao, S. C., Chan, C. T., & Chen, C. Y. (2021). Suicidal ideation, psychopathology, and help-seeking in 15 to 19-year-old adolescents in Taiwan: a population-based study 2015-2019. *Journal of affective disorders*, 282, 846-851. <https://doi.org/10.1016/j.jad.2020.12.139>
- Patel, R. S., Onyeaka, H., & Youssef, N. A. (2020). Suicidal ideation and attempts in unipolar versus bipolar depression: analysis of 131,740 adolescent inpatients nationwide. *Psychiatry Research*, 291, 113231. <https://doi.org/10.1016/j.psychres.2020.113231>
- Ponterotto, J. G. (2005). Qualitative research in counseling psychology: A primer on research paradigms and philosophy of science. *Journal of Counseling Psychology*, 52(2), 126–136. <https://doi.org/10.1037/0022-0167.52.2.126>
- Raemen, L., Luyckx, K., Palmeroni, N., Verschueren, M., Gandhi, A., Grobler, A., & Claes, L. (2021). Trauma and self-harming behaviors in high school students: The mediating role of identity formation. *Journal of Adolescence*, 92, 20-29. DOI: 10.1016/j.adolescence.2021.08.004
- Sarafino, Edward. P. (2002), *Health Psychology*. Translated by Ali Ahmadi Abhari and colleagues, under the supervision of Elaha Mirzai, (2016). *Tehran: Rushd Publications*. (In Persian)
- Shiftagi, F., Mohammadi, S., & colleagues. (2022). The role of marital conflict in predicting mood disorders in adolescents: The mediating role of psychological security. *Child and Adolescent Mental Health*, 9(1), 55–70. [In Persian].
- Sinyor, M., Silverman, M., Pirkis, J., & Hawton, K. (2024). The effect of economic downturn, financial hardship, unemployment, and relevant government responses on suicide. *The Lancet Public Health*, 9(10), e802-e806. [https://doi.org/10.1016/S2468-2667\(24\)00152-X](https://doi.org/10.1016/S2468-2667(24)00152-X)
- Stack, S. (2018). Religious activities and suicide prevention: A gender specific analysis. *Religions*, 9(4), 127. <https://doi.org/10.3390/rel9040127>
- Stack, S. (2021). Contributing factors to suicide: Political, social, cultural and economic. *Preventive medicine*, 152, 106498. <https://doi.org/10.1016/j.ypmed.2021.106498>
- Stack, S., & Scourfield, J. (2015). Recency of divorce, depression, and suicide risk. *Journal of Family Issues*, 36(6), 695-715. <https://doi.org/10.1177/0192513X13494824>
- Van Harmelen, A. L., Schmaal, L., & Blumberg, H. P. (2019). Journal of Affective Disorders Special Issue on Suicide-Related Research: hopeful progress but much research urgently needed. *Journal of affective disorders*, 251, 39. DOI: 10.1016/j.jad.2019.03.054
- Vandoros, S., & Kawachi, I. (2021). Economic uncertainty and suicide in the United States. *European journal of epidemiology*, 36(6), 641-647. DOI: 10.1007/s10654-021-00770-4

- Vandoros, S., Avendano, M., & Kawachi, I. (2019). The association between economic uncertainty and suicide in the short-run. *Social Science & Medicine*, 220, 403-410. <https://doi.org/10.1016/j.socscimed.2018.11.035>
- Well, T. (2017). Are You Sure? Four Strategies to Deal with Uncertainty and Self-Doubt. *Psychology Today*.
- WHO. (2021). Fact Sheet: Suicide [WWW Document]. *World Heal. Organ.* URL <https://www.who.int/news-room/fact-sheets/detail/suicide>, 3.1.22.

